

در پژوهش حاضر روش آماری پژوهش از نظر گردآوری داده ها توصیفی از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی بود. جامعه آماری پژوهش را دانش آموزان پسر ۱۰-۷ ساله ای تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۱۳۹۸ در شهر تهران مشغول به تحصیل بودند (+مادران این کودکان) که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. حجم نمونه مناسب پژوهش با فرمول تاباخنیک و فیدل (۲۰۰۷) برآورد شد. این پژوهش دارای دو متغیر مستقل بود که با استفاده از فرمول تاباخنیک تعداد ۱۵۰ کودک و ۱۵۰ نفر از مادران آنها انتخاب شدند. از کودکان پرسشنامه هوش ریون و مهارت های مثبت اندیشی پنج عاملی و از مادران آنها پرسشنامه سبک های فرزندپروری گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک های فرزندپروری و مهارت های مثبت اندیشی کودکان رابطه وجود دارد. بین هوش و مهارت های مثبت اندیشی کودکان رابطه وجود ندارد.

**کلیدواژه ها:** هوش، مهارت های مثبت اندیشی، سبک های فرزندپروری

## Abstract

In the present study, the statistical method of the research was descriptive-correlational in terms of data collection and applied in terms of purpose. The statistical population of the study consisted of 7-10 year old male students who were studying in Tehran in the academic year 1398 (+ mothers of these children) who were selected using multi-stage cluster sampling method. The appropriate sample size of the study was estimated by Tabakhnik and Fidel (2007) formula. This study had two independent variables that 150 children and 150 mothers were selected using Tabakhnik formula. Children were asked about the Raven Intelligence Questionnaire and Five-Factor Positive Thinking Skills, and their mothers about the parenting style questionnaire. The results showed that there is a relationship between parenting styles and children's positive thinking skills. There is no relationship between children's intelligence and positive thinking skills. There is no relationship between intelligence and parenting styles.

**Keywords:** Intelligence, positive thinking skills, parenting styles

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، دانشکده روانشناسی، گروه روانشناسی، تهران، ایران

شود. هیجان‌ها و احساسات از جمله ابعاد شخصیتی دانش‌آموز است که در سراسر فرآیند یادگیری او حضور دارند. دانش‌آموزان در موقعیت‌های متفاوت هیجان‌های مختلفی را تجربه می‌کنند دانش‌آموزانی که هیجان مثبت بالایی دارند بر انرژی و با روحیه هستند در مقابل دانش‌آموزانی که هیجان منفی بالایی دارند مضطرب، نگران و کم‌انرژی هستند. هیجان مثبت شامل لذت، امیدواری و افتخار می‌شود. هیجان‌ها مثبت اثرات تشویقی داشته و می‌تواند عمل و تفکر را وسیع‌تر سازد و منجر به وسعت راه‌های تفکر شود، ابطال‌کننده هیجان‌های منفی و خنثی‌کننده اثرات مخرب آنها باشد و به‌طور موثر باعث پیشرفت تحصیلی شود. افراد دارای هیجان مثبت بالا مجهز به خود آگاهی از عواطف و احساسات خود هستند به این معنا که احساسات خود را در هر لحظه تشخیص می‌دهند و بهترین آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داده و با ارزیابی‌های واقع‌بینانه از توانایی‌های خود و خودکار آمدی اعتماد به نفس در خود ایجاد می‌نمایند. پژوهش‌ها نشان داده است که هیجان‌ها مثبت باعث ارزیابی بهتر شخص از تجارب روزمره می‌شود و به ایجاد احساس شادمانی و روحیه مثبت نگر که پایه و اساس سلامت روانی است کمک می‌کند، بالعکس در افرادی که هیجان‌ها منفی بیشتری در طول روز تجربه می‌کنند سطوح شادمانی و افکار مثبت پایین بوده و این افراد از سلامت روانی کمتری برخوردارند (صادقی، بیرانوند، ۱۳۹۶). در پنجاه سال گذشته تلاش روانشناسان بیشتر بر درمان کمبودها و رفع ناتوانی‌ها متمرکز بوده است. روانشناسان مثبت‌گرا به افزایش شادمانی و مطالعه در مورد نقش نیرومندی‌های شخصی و سامانه‌های اجتماعی مثبت در ارتقای سلامت بهینه تأکید دارند و به طریق علمی به شناسایی عواملی می‌پردازند که می‌توانند سلامت را افزایش دهند. مثبت‌اندیشی به ما نشان می‌دهد، برای آنکه درباره خود احساس خوبی داشته باشیم، روابط ارزشمندی با دیگران برقرار کنیم، در تصمیم‌گیری‌های مان اصول منطقی را رعایت کنیم و از پس‌چالش‌های زندگی براییم و در رویارویی با مشکلات زندگی شانه خالی نکنیم، باید با چه دیدی به زندگی بنگریم. نتایج پژوهش‌ها در مورد روانشناسی مثبت‌گرا کاربردهایی را در آموزش و پرورش، ازدواج، اشتغال، تربیت فرزند و موارد دیگر نشان داده است. مطابق دیدگاه مثبت‌نگر، هیجان‌ها و توانمندی‌ها از بهترین عوامل جلوگیری از آسیب‌های روانی هستند. پژوهشگران حوزه پیشگیری اعتقاد دارند، توانمندی‌های انسان، محافظی در برابر، توانمندی‌ها و نه اصلاح ضعف‌هاست. شهامت، خوشبینی، مهارت‌های ارتباط بین‌فردی، رعایت کردن اخلاق کار، امید و صداقت نمونه‌ای از این توانمندی‌ها محسوب می‌شود. نتایج تحقیقات مختلف در مورد اثربخشی پیشگیرانه مداخلات مثبت

وقتی صحبت از فرزند پروری می‌شود، تنوع زیادی در بین خانواده‌ها وجود دارد. زمینه‌های فرهنگی تأثیر عمده‌ای بر نحوه وجود خانواده و نحوه تربیت فرزندان دارد. تغییرات ناشی از مهاجرت (با ایدئولوژی‌های مختلف فرهنگی، قومی و معنوی)، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و خانواده‌های تک‌والدی برخی از عواملی هستند که انواع سبک‌های فرزندپروری را در میان خانواده‌ها تعیین می‌کنند. (سنویکتور<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). نتیجه این است که بین فرزندپروری و رشد شناختی کودکان رابطه وجود دارد یا با فرزندپروری دموکراتیک باعث رشد شناختی خوبی می‌شود، در حالی که کودکان با فرزندپروری مستبدانه رشد کافی یا نامطلوب را فراهم می‌کنند (مسیتاها<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). تحقیقات نشان می‌دهد که بین هوش هیجانی مادران و سبک فرزند پروری منفی با سبک دلبستگی ناامین کودکان پیش‌دبستانی رابطه وجود دارد. (لی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۲) و بین آموزش سبک‌های فرزندپروری به والدین و پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی، هوش بچه‌ها رابطه معناداری وجود دارد. (مارتینز<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). سبک‌های فرزند پروری بر روی هوش و قدرت تصمیم‌گیری کودکان تأثیر دارد. (ابو دریع و همکاران، ۲۰۲۲). بین مهارت‌های فراشناختی کودکان و سبک‌های فرزند پروری والدین رابطه معناداری وجود دارد. (راهام<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۲۲).

وضعیت روانی و جسمانی و نحوه تجربه درد یا شادی از ذهن، روان و طرز تفکر هر فرد نشأت می‌گیرد. از دیدگاه علوم رفتاری و روان‌شناسی شیوه تفکر ما کیفیت زندگی ما را تعیین می‌کند. بسیاری از افکار منفی در حقیقت باورهایی هستند که افراد درباره خودشان، دیگران یا دنیا دارند، که می‌توان از طریق آموزش دهی به این افراد باعث تغییر و کنترل افکار منفی و نادرست آنها شد. بررسی‌ها نشان داده دانش‌آموزانی که منبع کنترل بیرونی دارند، موفقیت‌ها را به شانس اسناد می‌دهند، اما دانش‌آموزانی که منبع کنترل درونی دارند، موفقیت‌ها را به توانایی خود نسبت می‌دهند. اگر دانش‌آموزان متوجه این موضوع شوند که افکار آنها روی عملکردشان هم تأثیر می‌گذارد، بسیار موثرتر عمل می‌کنند (بهرامی، ۱۳۸۳). به نقل از سهرابی، جوانبخش، (۱۳۸۸). باورهایی که افراد در رابطه با خودشان در موقعیت‌های فردی و اجتماعی مختلف دارند، باعث بروز هیجان‌ها مختلفی در آن‌ها می‌شود. هیجان‌ها را می‌توان پایه و بنیاد رشد انسان و روابط او در نظر گرفت. هیجان بخش اساسی ساختار فرد است و عامل کلیدی برای سازماندهی خود می‌باشد. تمرکز بر هیجان موجب افزایش توانایی فردی برای اجرای کار و لذت بردن از زندگی می‌

<sup>5</sup> Martinez

<sup>6</sup> Raham

<sup>2</sup> Sanvictores

<sup>3</sup> Masitah

<sup>4</sup> lee

نگر نشان می دهد که شناسایی و ارتقای هیجانانگیز مثبت و افزایش بهزیستی روانشناختی به عنوان یک سد محافظت کننده، از آسیب های مزمن و تنش های زندگی، ابتلای افراد به افسردگی، اضطراب، آسیب های مزمن و تنش های زندگی جلوگیری می کند (نعیمی، شفیع آبادی، داوودآبادی، ۱۳۹۵).

همچنین نتایج پژوهش محمدیان آکردی، خان محمدی، بابایی کفافی، فریدونی و علوی مقدم، ۱۳۹۴ نشان داده که بین مثبت اندیشی والدین و سبک های فرزندپروری آنها در تربیت فرزندان رابطه وجود دارد. می توان گفت سبک های فرزندپروری به عنوان مجموعه ای از نگرش ها نسبت به کودک در نظر گرفته می شود که منجر به ایجاد جو هیجانی می شود که رفتارهای والدین در آن جو بروز می نماید. این رفتارها دربرگیرنده ی رفتارهای مشخص (رفتارهایی که در جهت هدف والدین است) که از طریق آن رفتارها والدین به وظایف والدینشان عمل می کنند (تمرین های فرزندپروری) و هم رفتارهای تغییر در تن صدا یا بیان هیجان های غیر ارادی می باشد. این تعریف سبک فرزندپروری با تعدادی از تحقیقات اولیه ای که در دهه های سوم و چهارم قرن بیستم در مورد اجتماعی کردن صورت گرفته همخوان بود. در واقع فرزندپروری فعالیتی پیچیده و در برگیرنده ی رفتارهای خاصی است که یا بطور مجزا یا باهم رفتارهای کودک را تحت تاثیر قرار می دهد. هرچند رفتارهای فرزندپروری خاص نسبت به الگوهای فرزندپروری در پیشگویی بهزیستی کودک اهمیت کمتری دارد (محمدیان آکردی، خان محمدی، بابایی کفافی، فریدونی و علوی مقدم، ۱۳۹۴). بامریند<sup>۷</sup>، ۱۹۶۶ با همسان سازی و در هم آمیختن تئوری سبک های فرزندپروری به یک مدل سه وجهی دست یافت که عبارتند از: آسان گیر<sup>۸</sup>، مستبد<sup>۹</sup>، مقتدر<sup>۱۰</sup>. والدین مقتدر قاطعیت و محبت را با هم به کار می گیرند. آنها مهربانی و سختگیری را به یک اندازه در شیوه رفتاری خود با فرزندانشان قرار می دهند. این والدین پذیرش و کنترل رفتار بالایی دارند و به دنبال محدود ساختن فرزندانشان از نظر روانی نیستند. والدین مستبد غالباً مسامحه کار هستند و فرزند را طرد می کنند. همچنین از نظر روانی بسیار کنترل گردن و تمایل دارند که به طور ناخوشایندی ایده های خودشان را به فرزندشان تحمیل کنند، این والدین در صورتی که فرزندشان با آنها توافق نظر نداشته باشد به شدت برانگیخته می شوند. نهایتاً این رفتار باعث ایجاد محدودیت روانی و عاطفی-هیجانی کودک شده و میل کودک به خلاق بودن و ابراز وجود را محدود می سازد. والدین آسان گیر افراطی اند. فرزندان این والدین اجازه دارند قوانین خودشان را وضع کنند و برای خودشان تصمیم بگیرند. والدینی که این

سبک را انتخاب می کنند خواسته های رفتاری بسیار کمی از کودک خود دارند و از اعمال اجبار و درگیری خودداری می کنند. این سبک تربیتی به صورت متناقضی خروجی بسیار ضعیفی را منجر می شود و فرزندان غالباً دچار احساس عدم دستیابی به موفقیت، عدم کنترل تکانه و عدم استقلال می شوند (برانسن، کالابینسکی، اسپادا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۰). تحقیقات ابولقاسمی، ۱۳۹۴ نشان دهنده آن بود که افرادی که والدین مقتدر و منطقی دارند، سطح سازگاری اجتماعی بالاتری داشته و این سبک در مقابل دو سبک دیگر، بدون شک باعث بالارفتن سازگاری اجتماعی در فرزندان می شود. همچنین افراد دارای سطح هوش هیجانی بالا، از روابط بهتری در جامعه برخوردارند و سلامت روانی بیشتری را دارا هستند. بنابراین توانایی افراد در برقراری ارتباط درست و سازگاری آن ها در اجتماع با هوش هیجانی آنان همبستگی مثبت دارد. بنابراین می توان گفت طرز و نحوه تفکر هر فرد ارتباط مستقیمی با هوش و سبک تربیتی آن فرد دارد. در مورد مفهوم هوش، روان شناسان به دو گروه تقسیم شده اند: گروه اول بر این اعتقادند که هوش، از یک استعداد کلی و واحد تشکیل می شود، اما گروه دوم معتقدند انواع مختلف هوش وجود دارد. آنچه تعریف دقیق از هوش را دچار مناقشه می کند آن است که هوش یک مفهوم انتزاعی است و در واقع هیچ گونه پایه محسوس، عینی و فیزیکی ندارد. هوش، یک برجسب کلی برای گروهی از فرآیندهاست که از رفتارها و پاسخ های آشکار افراد استنباط می شود. از نظر فیزیولوژی، هوش پدیده ای است که در اثر فعالیت یاخته های قشر خارجی مغز (کورتکس) آشکار می گردد و از نظر روانی نقش انطباق و سازگاری موجود زنده با شرایط محیطی و زیستی را بر عهده دارد (عبادی، ۱۳۹۳). فرانسویس گالتون<sup>۱۲</sup> معتقد بود که چون افراد اطلاعات را از طریق حواسشان به دست می آورند، افراد باهوش، اشخاصی هستند که حواسشان در بهترین وضعیت تحول یافته، و بهترین کارایی را داشته باشد. آلفرد بینه<sup>۱۳</sup> هوش را آن چیزی می دانست که آزمون های هوش آن را می سنجد و باعث می شود افراد عقب مانده ذهنی از افراد طبیعی و باهوش متمایز شوند. از نظر دیوید وکسلر<sup>۱۴</sup> هوش عبارت بود از توانایی کلی و جامع در فرد که باعث تفکر منطقی، فعالیت هدفمند و سازگاری با محیط می شود. در نظر وی، هوش یک توانایی جامع بود، مرکب از عناصر یا اجزایی که به طور کامل مستقل از هم نیستند و نشانه هوشمندی فرد آن است که می تواند به صورت منطقی بیندیشد و اعمال برخواسته از هوش او اعمالی هدفدار هستند و توانایی هوش به فرد این امکان را می دهد که خود را با شرایط محیط انطباق دهد. ریموند کتل<sup>۱۵</sup>، هوش را با توجه به توانایی یا

<sup>12</sup> Fronsic Galtom

<sup>13</sup> Alfred Binet

<sup>14</sup> David Wechsler

<sup>15</sup> Raymond Cattell

<sup>7</sup> Baumrind

<sup>8</sup> permissive

<sup>9</sup> authoritarian

<sup>10</sup> uthoritative

<sup>11</sup> Bronsan & Kolubinski & Spada.

دوباره اطلاعات. (توانایی بازیابی) را می‌سنجد(کامکاری، افروز، ۱۳۹۰).

با وجود تعاریف گفته شده، به طور خلاصه هوش را می‌توان توانایی ذهنی دانست که قابلیت‌های متنوعی، همچون استدلال، برنامه‌ریزی، حل مسئله، تفکر انتزاعی، استفاده از زبان و یادگیری را شامل می‌شود. در تعریف هوش از معیارهای مختلفی بهره گرفته شده است که در سال‌های اخیر بیشتر تعاریف در سه طبقه قابل جای‌گذاری است: تعاریفی که به سازگاری یا انطباق با محیط‌تایید دارند، تعاریفی که به توانایی یادگیری موضوعات مختلف تاکید دارند و تعاریفی که بر تفکر انتزاعی، یعنی توانایی استفاده از مفاهیم مختلف، نمادهای کلامی و عددی تکیه دارند(عبادی، ۱۳۹۳). با توجه به توضیحات گفته شده، هدف این پژوهش بررسی این است که آیا بین سبک‌های فرزندپروری و هوش با مهارت‌های مثبت اندیشی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

این پژوهش دارای دو متغیر مستقل بود که با استفاده از فرمول تاباخنیک تعداد ۱۵۰ کودک و ۱۵۰ نفر از مادران آنها انتخاب شدند. از کودکان پرسشنامه هوش ریون و مهارت‌های مثبت اندیشی پنج عاملی و از مادران آنها پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری گرفته شد.

است. هر سؤالی تشکیل شده از تصاویر و شکل‌های سازماندهی شده در یک ماتریس (مستطیل شکل) با خانه‌های سه سطر در سه ستون که آخرین(نهمین) خانه همیشه خالی است. محتوای شکلی هشت خانه دیگر با استفاده از قوانین انتزاعی و اختیاری مشخص شده اند که باید آن قوانین را آزمودنی کشف کند و براساس آن نهمین خانه مشخص گردد. شش تا هشت گزینه برای هر سؤال در نظر گرفته شده است. برای پاسخ به این سؤال‌ها ظرفیت فرد برای استدلال انتزاعی به ویژه توانایی غالب آمدن بر ارتباطات عناصر هر سؤال، شناسایی قوانین اساسی، به وجود

استعداد کسب شناخت‌های تازه و سپس تراکم شناخت‌ها در طول زندگی(یعنی کاربرد شناخت‌های قبلی در حل مسائل) بدین‌صورت تعریف می‌کند: مجموعه استعدادهایی که با آن‌ها شناخت پیدا می‌کنیم، شناخت‌ها را به یاد می‌سپاریم و عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ را به‌کار می‌بریم تا مسائل روزانه را حل کنیم و با محیط ثابت و در حال تغییر سازگار شویم(عبادی، ۱۳۹۳). جان ریون<sup>۱۶</sup> مانند چارلز اسپیرمن<sup>۱۷</sup> معتقد بود که در همه کارکردهای روانی یک عامل کلی هوشی<sup>۱۸</sup> و شماری از عوامل اختصاصی هوشی<sup>۱۹</sup> وجود دارد. ریون آزمون ماتریس‌های پیش‌رونده خود را بر پایه نظریه دو عاملی اسپیرمن تدوین کرد. الگوهای آزمون ریون به شکل ماتریس‌های ۶×۶، ۴×۴ یا ۲×۲ است و به همین دلیل ماتریس پیش‌رونده نامیده می‌شود. این آزمون بر اساس نظریه سوال-پاسخ ساخته شد. سوالات آزمون ریون بر اساس عامل g توانایی تفکر منطقی و درک پیچیدگی روابط (درک استنباطی) و قابلیت حفظ و ساخت

روش

جامعه آماری پژوهش را همه دانش‌آموزان پسر ۱۰-۷ ساله ای تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۱۳۹۸ در شهر تهران مشغول به تحصیل بودند(+مادران این کودکان) که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. حجم نمونه مناسب پژوهش با فرمول تاباخنیک و فیدل<sup>۲۰</sup>(۲۰۰۷) برآورد شد. بر اساس این فرمول حداقل حجم نمونه در مطالعات همبستگی از فرمول  $N \geq 50 + 8M$  محاسبه می‌شود.

#### ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش

آزمون ماتریس‌های پیش‌رونده ریون (RPM)

آزمون ریون یک ماتریس پیش‌رونده رنگی، برای دسته ۵ تا ۱۱ سال که دارای ۳ مجموعه تصویر ۱۲ تایی می‌باشد. هم‌فرم استاندارد و هم‌فرم پیشرفته آن، از آزمون‌های توانایی استدلال کلی است که یکی از دقیق‌ترین و معتبرترین اندازه‌های هوش عمومی را به دست می‌دهد. این آزمون از جمله آزمون‌های هوش غیرکلامی است که ریون در انگلستان ساخته است. فرم خاصی از این آزمون با عنوان ماتریس‌های پیش‌رونده پیشرفته به‌طور اختصاصی برای تمایز بین افرادی که در سطوح متوسط و بالاتر توزیع هوشی قرار گرفته‌اند طراحی شده است. این فرم دو مجموعه سؤال و دو دفترچه جداگانه دارد. دفترچه سؤال ۱۲ اول با فقط برای تعیین تفاوت بین افرادی که دارای هوش‌های متفاوتی هستند تهیه شده

<sup>19</sup> Special intelligence factor

<sup>20</sup> Tabakhnick & Fidell

<sup>16</sup> John, C. Raven

<sup>17</sup> Spearman

<sup>18</sup> General intelligence factor

آورنده آنها و استفاده از آن به منظور تعیین پاسخ درست ضروری است

### ۳-۲-۳- پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند

پرسشنامه سبک های فرزند پروری بامریند دارای ۳۰ گویه است که توسط دایانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور، ۱۳۸۱ ترجمه شده است. این پرسشنامه سبک های فرزند پروری والدین را در سه خرده مقیاس اندازه گیری می کند. در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره های سوال های مربوط به هر سبک و تقسیم آن بر تعداد سوالات، نمره مجزا بدست می آید.

پرسشنامه مهارت های مثبت اندیشی پنج عاملی

این مقیاس با ۲۰ گویه مهارت مثبت اندیشی را از دیدگاه روانشناسی مثبت نگر اندازه گیری می کند. سوالات پرسشنامه پنج عامل خودگویی های مثبت، شناخت فکر، احساس و رفتار، نقش من،

چالش ورزی و جایگزینی را اندازه گیری می کنند:

### روایی و پایایی ابزار پژوهش

پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند: در بررسی که نیک زاد و مینائی، ۱۳۹۶ جهت سنجش ساختار عاملی و اعتبار نسخه فارسی پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند انجام دادند، دریافته اند که پرسشنامه و خرده مقیاس های آن از اعتبار نسبتاً خوبی برخوردارند.

بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار روایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه نمود که:

۱. ۰/۷۵ سبک آسان گیر

۲. ۰/۸۵ برای سبک مستبدانه

۳. ۰/۸۲ برای سبک مقتدرانه (مهرافرز، ۱۳۷۸).

پژوهشگر نیز آلفای کرونباخ پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند را ۰,۷۸ برآورد کرد که نشان دهنده اعتبار مناسب این پرسشنامه می باشد.

-پرسشنامه مهارت های مثبت اندیشی پنج عاملی:

در پژوهشی که چم زاده قنواتی، خانبانی، گل پرور، ۱۳۹۳ برای اعتباریابی پرسشنامه مهارت های مثبت اندیشی پنج عاملی انجام دادند، پرسشنامه مهارت های مثبت اندیشی پنج عاملی دارای اعتبار مناسب گزارش شد. چم زاده قنواتی، خانبانی، گل پرور، ۱۳۹۶ جهت بررسی روایی و اعتبار پرسشنامه FFPTS، پرسشنامه را روی دانش آموزان ۹ تا ۱۴ سال اجرا کردند که نتایج به دست آمده حاکی از اعتبار مناسب پرسشنامه بود. پژوهشگر نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه مهارت های مثبت اندیشی پنج عاملی عدد ۰,۸۳ را به دست آورد که نشان دهنده اعتبار بالا و مناسب این پرسشنامه می باشد.

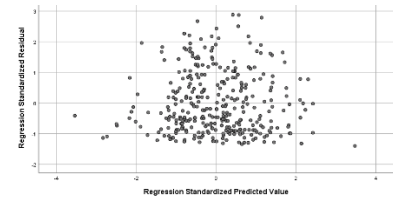
### یافته ها

جدول ۱: ماتریس ضرایب همبستگی بین سبک های فرزندپروری و مهارت های مثبت اندیشی

| متغیرها                  | ۱                       | ۲                       | ۳       | ۴ |
|--------------------------|-------------------------|-------------------------|---------|---|
| ۱-سبک مقتدرانه           | ۱                       |                         |         |   |
| ۲-سبک استبدادی           | **۰/۵۶۴                 | ۱                       |         |   |
| ۳-سبک سهل‌گیرانه         | **۰/۵۵۵                 | **۰/۴۸۰                 | ۱       |   |
| ۴- مهارت های مثبت اندیشی | *۰/۶۴۵                  | -۰/۲۳۱                  | **۰/۴۲۱ | ۱ |
|                          | * معنی داری در سطح ۰/۰۵ | **معنی داری در سطح ۰/۰۱ |         |   |

در جدول ۱ نتایج همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و مهارت های مثبت اندیشی نشان داده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده ضرایب همبستگی محاسبه شده بین سبک‌های فرزندپروری با مهارت های مثبت اندیشی معنی‌دار می‌باشند ( $p > ۰/۰۵$ ). با توجه به معنی‌داری ضرایب همبستگی بدست آمده فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با مهارت های مثبت اندیشی در کودکان مورد تایید قرار می‌گیرد.

## ۱- یکسانی پراکندگی باقی مانده ها

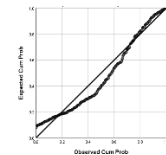


شکل ۱: نمودار پراکنش باقی مانده ها

در شکل ۱ پراکنش مقادیر پیش بینی شده و باقی مانده های استاندارد شده، نشان داده شده است. انتظار بر این است که باقی مانده ها، توزیع نسبتاً مستطیلی شکلی داشته باشند. به طوریکه مشاهده می شود اکثریت نمره ها در مرکز نمودار و در امتداد نقطه صفر متمرکز شده اند. از این رو فرض نرمال بودن توزیع باقی مانده ها برقرار می باشد.

## ۲- خطی بودن رابطه بین متغیرها

جهت بررسی خطی بودن رابطه بین متغیرها، از نمودار احتمال نرمال تراکمی که احتمال تراکمی مشاهده شده را در برابر احتمال تراکمی مورد انتظار قرار می دهد، استفاده شد.



شکل ۲: نمودار احتمال نرمال تراکمی مشاهده شده در برابر مورد انتظار متغیرهای پیش بین و ملاک

نمودار بالا نشان می دهد که داده ها به خوبی روی خط قطر قرار دارند؛ به عبارت دیگر مفروضه خطی بودن رابطه بین مهارت های مثبت اندیشی با ترکیب خطی متغیرهای پیش بین، به دلیل عدم وجود کجی و کشیدگی قابل ملاحظه، برقرار می باشد.

## جدول ۲: خلاصه آماره های مربوط به برازش مدل

| مدل | R     | R مجذور | خطای استاندارد برآورد | آماره دوربین-واتسون |
|-----|-------|---------|-----------------------|---------------------|
| ۱   | ۰/۰۵۸ | ۰/۰۰۳   | ۱۹/۰۰۵                | ۱/۹۰۱               |

در جدول ۲ خلاصه آماره های مربوط به برازش مدل نشان داده شده است. با توجه به نتایج جدول، ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته برابر با ۰/۰۵۸ می باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین (مجذور R) برابر با ۰/۰۰۳ می باشد که نشان دهنده میزان تبیین واریانس و تغییرات مثبت اندیشی توسط سبک های فرزندپروری می باشد. برای بررسی استقلال باقی مانده ها از آماره دوربین-واتسون استفاده شد. براساس نتایج جدول مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۱/۹۰۱ است که با توجه به اینکه مقدار آن در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد می توان گفت پیش فرض استقلال باقی مانده ها رعایت شده است.

## جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل واریانس

| مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات F | سطح معنی داری |
|---------------|------------|-------------------|---------------|
| رگرسیون       | 3          | 413.720           | 0.766         |
| باقیمانده     | 337        | 121718.978        |               |
| کل            | 340        | 122132.698        |               |

در جدول ۳ نتایج آزمون تحلیل واریانس به منظور بررسی مدل رگرسیونی ارائه شده آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول، مقدار F بدست آمده برابر با ۰/۰۰۳ می باشد و سطح معنی داری آن کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد ( $p < 0/05$ ). معنی داری آماره بدست آمده نشان می دهد که سبک های فرزندپروری می تواند تغییرات مربوط به مثبت اندیشی را به خوبی تبیین نمایند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده می باشد.

جدول ۴: تحلیل رگرسیون برای پیش بینی مهارت های مثبت اندیشی از طریق سبک های فرزندپروری

| شاخص های هم خطی | ضرایب استاندارد نشده |               | ضرایب استاندارد نشده |           | خطای استاندارد | B      |                |
|-----------------|----------------------|---------------|----------------------|-----------|----------------|--------|----------------|
|                 | استاندارد            | ضرایب شده     | استاندارد            | ضرایب شده |                |        |                |
| VIF             | Tolerance            | سطح معنی داری | t                    | Beta      | خطای استاندارد | B      |                |
|                 |                      | 0.001         | 4.540                |           | 5.140          | 23.336 | ثابت           |
| 1.794           | 0.557                | 0.464         | -0.734               | -0.053    | 0.270          | -0.198 | سبک مقتدرانه   |
| 1.592           | 0.628                | 0.995         | -0.006               | 0.001     | 0.247          | -0.002 | سبک استبدادی   |
| 1.585           | 0.631                | 0.314         | 1.009                | 0.069     | 0.234          | 0.236  | سبک سهل گیرانه |

در جدول ۴ نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش بینی مهارت های مثبت اندیشی از طریق سبک های فرزندپروری، آورده شده است. با توجه به اینکه مقدار آماره تحمل از مقدار برش ۰/۱ بیشتر است و آماره تراکم عاملی (VIF) که از مقدار برش ۱۰ کمتر است، نتیجه می شود که از مفروضه هم خطی، تخطی صورت نگرفته است.

مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای سبک مقتدرانه برابر با ۰/۰۶۹، سبک استبدادی برابر با ۰/۰۰۱ و برای سبک سهل گیرانه برابر با ۰/۰۱۷ می باشد. با توجه به معنی داری ضرایب رگرسیونی بدست آمده نتیجه گرفته می شود که سبک های فرزندپروری قادر به پیش بینی مهارت های مثبت اندیشی در کودکان می باشد.

#### بحث و نتیجه گیری

از کودک و اعتیاد به تلفن های هوشمند تاثیر بسزایی دارد. نتایج پژوهش زهرانژاد، آنولا، کیارا، مالولا و گودرزی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵، با عنوان سبک های فرزندپروری و رشد هیجانی کودک اول دبستان: نقش تعدیل کننده خلق و خوی کودک حاکی از آن بود که خلق و خوی کودک با وضعیت روانی مادر رابطه داشت و مادران دارای مهارت کنترل رفتار فرزندان داشتند که هیجان منفی کمتری را تجربه می کردند. مهارت کنترل رفتار پدران نیز عامل کنترل کننده کودکان با خلق و خوی دشوار بود. نتایج پژوهش ناستز و سلا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲ با عنوان هوش هیجانی نوجوانان و سبک های فرزندپروری نشان داد که رشد هوش هیجانی تحت تاثیر پنج سبک والدگری قرار دارد: مقتدر، دیکتاتور، آسان گیر، دموکرات و طردکننده. نحوه گزارشگری والدین به فرزندان خود، نشانگر سطح رشد هوش هیجانی است. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک های فرزندپروری و مهارت های مثبت اندیشی کودکان رابطه وجود دارد. بین هوش و مهارت

پژوهش اسپراژه، سیمرمن، دکر و سواپ<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰ با عنوان آموزش والدین جهت ارتقای هوش استدلالی کودکان: با تمرکز بر سبک سوال نشان داد که آموزش والدین باعث تغییر مناسبات متقابل والد-فرزندی می شود و بر سبک پرسشگری کودکان تاثیر می گذارد و به توانایی های استدلال گری فرزندان کمک می کند. نتیجه پژوهش چنگ و سین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹ با عنوان سبک های تفکر و خودمختاری میان دانشجویان ناشنوا و کم شنوا حاکی از آن بود که کسانی که (خلاق تر، خارج از چهارچوب تر و از نظر شناختی پیچیده تر بودند) خودمختاری بیشتری نسبت به کسانی که (تابع چهارچوب، ساختاریافته تر و از نظر شناختی ساده تر بودند) خودمختاری کمتری از خود نشان دادند. نتایج پژوهش سان، لی و یو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹ با عنوان غفلت از کودک، سوءاستفاده روانی و اعتیاد به گوشی هوشمند در میان نوجوانان چینی: نقش هوش هیجانی و سبک های مقابله ای نشان داد که هوش هیجانی و سبک های مقابله ای بر غفلت

<sup>4</sup> Zarra-nezad, Aunola, Kiuru, Mullola & Moazami-Goodarzi.

<sup>5</sup> Nastas & Sala

<sup>1</sup> Spruijt, Ziermans, Dekker & Swaab

<sup>2</sup> Cheng, sanyin & Sin, kueng fung.

<sup>3</sup> Sun, Liu & Yu

وجود دارد لذا پیشنهاد می شود به منظور داشتن جامعه ایی سالم به زوجین داوطلب بچه دار شدن هستند قبل از بارداری مادر، سبکهای فرزندپروری آموزش داده شود

های مثبت اندیشی کودکان رابطه وجود ندارد. بین هوش و سبک های فرزندپروری رابطه وجود ندارد. از آنجاییکه بین سبکهای فرزند پروری و مهارتهای مثبت اندیشی رابطه

#### منابع

مقدم، ترانه. (۱۳۹۴) رابطه سبک های فرزندپروری با کمال رگایی و مثبت اندیشی والدین. کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.

— کامکاری، کامبیز و افروز، غلامعلی. ۱۳۹۰. مبانی روان شناختی هوش و خلاقیت: تاریخچه، نظریه ها و رویکرد ها، تهران، موسسه انتشارات، چاپ دوم.

— سهرابی، فرامرز و جوانبخش، عبدالرحمن. (۱۳۸۸). اثربخشی تقویت مهارت های مثبت اندیشی به شیوه کنترل گروهی بر منبع کنترل دانش آموزان دبیرستانی شهر گرگان. دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، ۱۶-۳۷.

— صادقی، مسعود و بیرانوند، زینب. (۱۳۹۶) تاثیر آموزش مهارت های مثبت اندیشی به شیوه گروهی بر هیجان مثبت یادگیری و خودنظم دهی تحصیلی دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه.. دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری، ۵-۹.

— عبادی، مهدی. ۱۳۹۳. تعریف هوش. پژوه: پژوهشکده باقرالعلوم.

— نعیمی، ابراهیم. شفیق آبادی، عداالله و داوودآبادی، فاطمه. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت های مثبت اندیشی با تاکید بر آموزه های دینی بر تاب آوری و رغبت های شغلی دانش آموزان. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۷-۲۸.

— محمدیان آکردی، ابراهیم. خان محمدی، ارسلان. بابایی کفاکی، هدی. فریدونی، فرهنگ و علوی

Abudrei,S.M & etal(2022). [The Influence of Parenting Styles Types on the Intelligence and Decision Making of the Deaf](#).International Journal for Research education.

Bronsan, Thomas. Kolubinski, C, Daniel & Spada, M, Marcantonio. 2020. Parenting styles and metacognitions as predictors of cannabis use. Addictive Behaviors Reports, 100259.

Cheng, sanyin & Sin, kuen fung. 2019. Thinking styles and self-determination among university students who are deaf or hard of hearing and hearing university students, Research in Developmental Disabilities, 85:61-69.

Lee,G & etal(2022). Relationship between Mother's emotional intelligence, negative parenting behaviour, Preschooler's attachment instability, and smart device overdependence. [BMC Public Health](#) volume22.

**Liu Sun, & Yu, si. 2019. Child — neglect, psychological abuse and smartphone addiction among Chinese adolescents: The roles of emotional intelligence and coping style. Computers in Human Behavior, 90:74-83.**

Masitah,W& etal(2022). THE INFLUENCE OF PARENTING STYLE OF EARLY CHILDHOOD COGNITIVE DEVELOPMENT IN TANJUNG MEDAN UTARA VILLAGE.International Seminar of Islamic Studies

Nastas, Laura-Elena & Sala, Kinsco. — 2012. Adolescents' emotional intelligence and parental styles.

Procedia-Social & Behavioral Science, 33:478-482.

Raham,T.A & etal(2022). PROFILE OF STUDENTS' METACOGNITIVE THINKING SKILLS VIEWED FROM PARENTING STYLE OF THE PARENTS.JOMSING Journal of Multicultural .Students in Guidance.2549-7073

Sanvictores,T &etal(2022). Types of Parenting Styles and Effects On Children. Last Update